

Qualitative analysis of conditions and the consequences of educational habitus of social agents in the field of educational production (Case study: Mashhad secondary high schools teachers)

Fardin Mohammadi*
Amir Hosain Mohammadpanah*

Introduction

The condition of educational habitus of teachers in Iran, and how it is changed over the time, Or what conditions has shaped it, Are the main purposes of this study. Accordingly the main purpose of this study is to investigate the status and evolutions of teacher's euucational habitus in the field of education.

Conceptual framework

In order to answer questions above, we built the conceptual framework based on the Bourdieu's theories. Bourdieu perceived habitus as a relatively stable system of qualities (characteristics, values and desires) that is provided in the agent's personality by experience and in interaction with others, while identifying life styles, manages to deal with different situations and finally governs the actions respectively (Bourdieu, 1995, 6). From Bourdieu's point of view, habitus are the basis for action (Bourdieu, 2008, 100). If the habitus of social agents does not match the purposes of the field or is not logical, the field will not achieve its goals.

Methodology

To gather and analyze the data we used thematic analysis method. Participants were Mashhad high school teachers. In this study 31 teachers interviewed using purposeful sampling and theoretical saturations. For

Phd of Economic sociology and Development, department of social science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
Fardin.mohammadi1@gmail.com

Assistant professor Sociology, Department of social science, Institute of Law Enforcement and Social Studies, Kurdistan, Iran.mpanah89@yahoo.com

gathering data, choosing samples and determining samples size we used semi-deep interviewing method, purposeful sampling and theoretical saturation criterion respectively. For data analysis open and axial coding methods were used.

results

The results indicates that teachers educational habitus is influenced by some conditions such as: economic, discrimination problems, having other training careers, having non educational careers, losing educational habitus and the anti-training procedures of the field, has been descended recently. Regarding the interaction between production and consumption fields, the formation of the decreasing trend of educational habitus phenomenon in the production field, educational habitus influenced social agents of the consumption field either and made it decreased.

Conclusion

Since teachers are the most important social agents in the field of education production and they must have provided high levels of educational habitus to fully implement the professional field of education, the results are not satisfactory. Therefore one of the key challenges in the field of education which is affected the efficiency either, is the weakness in the educational habitus of social agents in the field of production.

Keywords: Field of Education, Educational habitus, Teachers, Bourdieu

پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو مرکز
پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو مرکز

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۳۱

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۳۹۸، دوره‌ی ششم، سال ۲۶
شماره‌ی ۱، صص: ۳۵-۵۴

تحلیل کیفی شرایط، وضعیت و پیامدهای عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید آموزش (مطالعه موردی معلمان دوره متوسطه دوم شهر مشهد)

فردین محمدی

امیرحسین محمدپناه**

چکیده

پژوهش حاضر سعی در تبیین این مسأله را دارد که وضعیت عادت‌واره آموزشی معلمان در ایران چگونه است، در طول زمان دستخوش چه تغییراتی شده است، چه شرایطی در شکل‌دهی آن نقش داشته است و چه پیامدهایی به دنبال داشته است؟ بر این اساس هدف اصلی در تحقیق حاضر بررسی وضعیت و تحولات عادت‌واره آموزشی معلمان در میدان آموزش است. در راستای پاسخ به مسأله تحقیق، چارچوب مفهومی پژوهش بر اساس نظریات بوردیو تدوین گردید. جهت گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل موضوعی بهره گرفته شد. مشارکت‌کنندگان این تحقیق عبارت بودند از معلمان شهر مشهد که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری با ۳۱ نفر از آن‌ها مصاحبه گردید. جهت گردآوری داده‌ها نیز از تکنیک مصاحبه نیمه عمیق و برای تحلیل داده‌ها نیز از تکنیک کدگذاری باز و محوری استفاده گردید. نتایج تحقیق بیانگر آن است که عادت‌واره آموزشی معلمان تحت تأثیر شرایطی مانند مشکلات اقتصادی، مشکلات منزلتی-تبعیضی، اشتغال به شغل دوم آموزشی، اشتغال به شغل دوم غیر آموزشی، کاهش عادت‌واره آموزشی و منطبق ضد آموزش میدان آموزش در سال‌های اخیر کاهش یافته است. با توجه به رابطه متقابل بین میدان تولید و مصرف، شکل‌گیری پدیده سیر نزولی عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید، عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان مصرف را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجب کاهش آن شده است. بنابراین یکی از چالش‌های میدان آموزش که کارآمدی آن را نیز با مشکل مواجه ساخته است، ضعف عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید است.

واژه‌های کلیدی: میدان آموزش، عادت‌واره آموزشی، معلمان، بوردیو.

دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده

مسنول). Fardin.mohammadi1@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم نظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، کردستان، ایران.

مقدمه

شکل‌گیری آموزش و پرورش مدرن در ایران دگرگونی عمیقی را در فرایندهای تربیتی ایجاد کرد (Aali, 2018, 8). البته این دگرگونی و تأثیرگذاری فقط به امور تربیتی محدود نشد، بلکه در امور سیاسی و اجتماعی نیز تأثیر گذاشت؛ به طوری که در اوایل قرن حاضر (قرن چهاردهم شمسی) با تدوین برنامه‌های توسعه به آموزش و پرورش توجه فراوانی شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، نه تنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی و برنامه‌های پنج ساله اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم توسعه، و اسناد راهبردی به آموزش و پرورش و نقش آن در توسعه توجه شد، بلکه در زمینه نظام آموزشی کشور و مشکلات آن مطالعات گسترده‌ای آغاز گردید و در باب اهداف و ساختار آموزش و پرورش و حل مشکلات آن در راستای دستیابی به توسعه طرح‌های اصلاحی متعددی انجام گرفت. اما به رغم تلاش‌های گسترده، تغییرات و اصلاحات انجام شده، آموزش و پرورش در ایران نیز ناگزیر با چالش‌های عمده‌ای روبرو شده و همین امر موجب شده است که نتواند متناسب با تغییرات ایجاد شده تحولات لازم را در ساختار و کارکردهای خود ایجاد کرده باشد و به اهداف مورد نظر خود دست یابد و از کارایی و اثربخشی مطلوب در جامعه برخوردار گردد (Kamali & Khavari, 2011, 161).

در این راستا گروهی از اندیشمندان از جمله تودارو^۱، هریسون^۲، مک‌کله‌لند^۳، گریفین و مک‌کنلی^۴ بر این امر تأکید دارند که آموزش و پرورش در توسعه‌یافتگی نقش بسیار مهم و کارآمدی دارد، اما نه هر گونه آموزش و پرورشی (Todaro, 1988). به عبارت دیگر، آن‌ها معتقدند که آموزش و پرورش برای آن که نقش کارآمدی در توسعه داشته باشد باید از شرایط و ویژگی‌های خاصی (مانند ویژگی‌های سازگار با توسعه) برخوردار باشد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها والا بودن سطح عادت‌واره نهادی^۵ معلمان و کیفیت آن است. عادت‌واره^۶ عبارت است از نظامی از طبایع و قریحه‌های (خوی‌ها، خصلت‌ها، ارزش‌ها و تمایلات) نسبتاً ماندگار که در شخصیت کنشگر به وسیله تجربه و در تعامل با دیگران فراهم آمده که

-
- 1- Todaro
 - 2- Harrison
 - 3- Mc-clelland
 - 4- Griffin & Mckinly
 - 5- Institutional Habitus
 - 6- Habitus

نحوه مواجهه او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد و کنش وی را اداره می‌کند (Bourdieu, 1995, 6). عادت‌واره نهادی نیز عبارت است از تأثیر یک گروه فرهنگی یا یک طبقه اجتماعی بر رفتار افراد که از طریق یک سازمان اعمال می‌شود (Thomas, 2002, 431). به عبارت دیگر، عادت‌واره نهادی شامل مجموعه تمایلات، سلیق، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که یک نهاد یا سازمان به مرور زمان آن را در عاملان اجتماعی درونی می‌کند (Darmody, 2012, 534). بوردیو معتقد است که عادت‌واره وجوه مختلفی از قبیل احساس، اقتصادی و آموزشی دارد (Bourdieu, 2015, 194؛ Grenfell, 2011, 123). بر این اساس عادت‌واره آموزشی 'نظامی از تمایلات، سلیق، نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای آموزشی است که در وجود عاملان اجتماعی (معلمان و دانش‌آموزان) درونی شده است. نظریه بوردیو به طور کلی بیانگر آن است که عادت‌واره آموزشی، کنش آموزشی تولید می‌کند. این امر بدان معناست هر اندازه که معلمان از تمایلات، علایق، ارزش‌ها، سلیق، و نگرش‌های آموزشی بیشتری برخوردار باشند، آموزش بهتری ارائه می‌دهند و میدان آموزش از توانایی بیشتری برای نقش‌آفرینی در توسعه برخوردار خواهد شد. حال با توجه به این موضوع و با توجه به ناکارآمدی میدان آموزش ایران در نقش‌آفرینی در توسعه (Kamali & Khavari, 2011, 161)، مسأله اساسی تحقیق آن است که عادت‌واره آموزشی معلمان در ایران چگونه است؟ در طول زمان دستخوش چه تغییراتی شده است؟ چه شرایطی در شکل‌دهی آن نقش داشته است؟ و وضعیت کنونی عادت‌واره آموزشی معلمان، میدان آموزش را با چه پیامدهایی مواجه ساخته است؟ با توجه به آن که میدان آموزش از زیر میدان‌های مختلفی تشکیل شده است در این تحقیق سعی بر آن است که عادت‌واره آموزشی معلمان در زیر میدان آموزش متوسطه دوم مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه تجربی تحقیق

در این بخش به چند مورد از پژوهش‌هایی که قرابت موضوعی و مفهومی-نظری با تحقیق حاضر دارند اشاره می‌شود. نتایج تحقیق (Banitaba, Shahtalebi and Karimi (2009) که با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه انجام شده بود، بیانگر آن بود که دبیران و مدیران مدارس از تعهد شغلی مناسبی برخوردار هستند. در تحقیقی دیگر (Mirfardi, Ahmadi and Rafiee Baldaji (2012) با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه اولویت‌های ارزشی

معلمان و عوامل مرتبط با آن را در شهر بروجن مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن بود که معلمان دارای اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه و احساس امنیت اجتماعی، جنسیت و درآمد با اولویت‌های ارزشی معلمان رابطه معناداری دارد. نتایج تحقیق Hejazi, Sadeghi and Khatoun (2014) نیز که با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه انجام شده بود، بیانگر وجود رابطه معنادار بین نگرش شغلی معلمان و تعهد شغلی آن‌ها بود.

Engstrom & Carlhed (2014) نیز در تحقیقی با استفاده از نظریه بوردیو و روش ترکیبی، سنخ‌شناسی عادت‌واره معلمان فیریک را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که عادت‌واره معلمان فیزیک متفاوت است و آن را می‌توان در سه دسته مدیریت سنتی، چالش‌گران تکنولوژی و چالش‌گران شهروندی تقسیم‌بندی نمود. نتایج تحقیق Zrim Martinjak (2015) نیز نشان داد علاوه بر آن که بین عادت‌واره و عملکرد آموزشی رابطه معنادار وجود دارد، بین عادت‌واره نهادی معلمان و عادت‌واره خانوادگی آن‌ها شکاف وجود دارد. مرور تحقیقات مذکور ضمن آن که نشان می‌دهد در تحقیقات اجتماعی در زمینه تحلیل عادت‌واره آموزشی معلمان خلاء اساسی وجود دارد، بیانگر عدم شناخت دقیق وضعیت عادت‌واره آموزشی معلمان است. با توجه به این نتیجه، تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد نظری و روش‌شناسی بوردیو سعی بر آن دارد که تحلیلی دقیق از وضعیت عادت‌واره آموزشی معلمان ارائه دهد.

چارچوب مفهومی تحقیق

بوردیو عادت‌واره را نظامی از طبایع و قریحه‌های (خوی‌ها، خصلت‌ها، ارزش‌ها و تمایلات) نسبتاً ماندگاری می‌داند که در شخصیت کنشگر به وسیله تجربه و در تعامل با دیگران فراهم آمده که ضمن تعیین شیوه‌های زندگی (Beck, 2016, 21; Bourdieu, 2002, 6; Bourdieu, 2013, 316)، نحوه مواجهه او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد و کنش وی را اداره می‌کند (Bourdieu, 1995, 6). بوردیو بر این باور است که عادت‌واره‌ها قابل تغییر هستند و با میدان‌های جدید یا با تغییرات جدید میدان منطبق می‌شوند (Jalayıpour & Mohammadi, 2009, 318). در دهه‌های اخیر به دلیل پیچیدگی و گستردگی عادت‌واره، دسته‌بندی‌های مختلفی از آن شده است که می‌توان به عادت‌واره خانوادگی^۱ و نهادی (Thomas, 2002, 431) یا سازمانی^۲ اشاره کرد

1- Domestic Habitus

2- Organizational Habitus

(Kitchin & Howe, 2013, 129). عادت‌واره نهادی عبارت است از تأثیر یک گروه فرهنگی یا یک طبقه اجتماعی بر رفتار افراد که از طریق یک سازمان اعمال می‌شود (Thomas, 2002, 431). نهادها یا سازمان‌های مختلف عادت‌واره‌های نهادی مختلفی دارند. (Thomas, 2002, 438). بنابراین عادت‌واره نهادی همانند عادت‌واره فردی^۱ است؛ بدان معنا تاریخی دارد و به مرور زمان شکل و گسترش یافته است و قابلیت تغییر دارد (Darmody, 2012, 534). بنابراین عادت‌واره نهادی شامل مجموعه تمایلات، سلیق، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که یک نهاد یا سازمان به مرور زمان آن را در عاملان اجتماعی درونی می‌کند. بوردیو معتقد است که عادت‌واره وجوه مختلفی دارد. به عنوان مثال عادت‌واره اقتصادی^۲ که مختص میدان اقتصاد است (Bourdieu, 2015, 194) یا عادت‌واره احساسی (Grenfell, 2011, 123). بنابراین می‌توان گفت عادت‌واره فردی و نهادی وجوه مختلفی دارند، به طوری که می‌توان وجوه آموزشی عادت‌واره فردی یا وجوه آموزشی عادت‌واره نهادی میدان آموزش را عادت‌واره آموزشی نام نهاد که دربرگیرنده نظامی از تمایلات، سلیق، نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای آموزشی است. درباره وجوه عادت‌واره نهادی لازم به ذکر است که صفتی که به عادت‌واره نسبت داده می‌شود ممکن است متناسب با اهداف میدانی باشد که عاملان اجتماعی در آن فعالیت و رقابت می‌کنند. به عنوان مثال از آنجا که هدف میدان اقتصاد، حفظ یا افزایش سرمایه اقتصادی و هدف میدان آموزش، حفظ یا افزایش سرمایه فرهنگی است، بنابراین عادت‌واره نهادی میدان اقتصاد و میدان آموزش به ترتیب عادت‌واره اقتصادی و عادت‌واره فرهنگی (یا آموزشی) خواهد بود.

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی بوردیو، مفهوم میدان است از دیدگاه بوردیو میدان^۳، فضا یا پهنه اجتماعی محدودی است که قوانین و منطق خاص خود را دارد و عاملان اجتماعی که در این میدان‌ها جایگاه‌های خاصی را تصرف کرده‌اند بایستی این قوانین را فرا گرفته باشند و این قوانین را پذیرفته باشند (Bourdieu, 1997, 97). میدان‌ها (به ویژه میدان‌های فرهنگی) در یک تقسیم‌بندی کلی به دو زیر میدان تولید و مصرف نیز تقسیم می‌شوند. منظور از میدان تولید، میدانی است که در آن کالاهای مادی و کالاهای فرهنگی (مانند ارزش‌ها، باورها و دانش) تولید و عرضه می‌شود. منظور از میدان مصرف میدانی است که کالاهای تولیدی به مصرف می‌شوند و کنشگران آن متقاضی مصرف کالاهای تولیدی هستند (Bourdieu, 2013, 315-314).

1- Personal Habitus

2- The Economic Habitus

3- Field

(Grenfell, 2011, 138). در این راستا بوردیو بر این امر تأکید دارد که بین میدان تولید و مصرف رابطه متقابل وجود دارد؛ به طوری که کارآمدی یک میدان نتیجه هماهنگی میدان مصرف و تولید آن است. در این راستا وی معتقد است در بازارهای فرهنگی مطابقت عرضه و تقاضا نه معلول ساده تحمیل شدن تولید به مصرف است و نه معلول تلاش آگاهانه برای تأمین نیازهای مصرف‌کنندگان، بلکه نتیجه هماهنگی عینی دو منطق نسبتاً مستقل است، یکی منطق میدان تولید و دیگری منطق میدان مصرف (Bourdieu, 2013, 315-314).

روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر جهت دستیابی به پاسخ مسأله و اهداف تحقیق از روش کیفی تحلیل موضوعی^۱ استفاده شد. تحلیل موضوعی عبارت است از عمل کُدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌هاست (Mohammadpour, 2011). موضوع یا تم^۲ نیز ویژگی تکراری و متمایزی در متن است و مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است (Sajadieh & Azadmanesh, 2016, 115). میدان مورد مطالعه در این مرحله شامل معلمان شهر مشهد بود که در موقعیت‌های مختلف و در مکان‌های مختلف در این میدان مشغول به فعالیت بودند و از تجارب آموزشی گسترده‌ای برخوردار بودند. جهت گردآوری داده از تکنیک مصاحبه نیمه عمیق، جهت انتخاب نمونه‌ها نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند و جهت تعیین حجم نمونه نیز از معیار اشباع نظری^۳ استفاده گردید. در نهایت با ۳۱ نفر از معلمان مصاحبه گردید. سپس داده‌های کیفی گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار maxqda مورد تحلیل قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌ها نیز از تکنیک کُدگذاری باز^۴ و محوری^۵ استفاده گردید^۶. به طوری که داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شدند و با دقت مورد بررسی قرار گرفتند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه شدند (Strauss &

- 1- Thematic Analysis
- 2- Theme
- 3- Theoretical Saturation
- 4- Open coding
- 5- Axial Coding

۱- این تکنیک‌ها از تکنیک‌های اصلی روش نظریه زمینه‌ای می‌باشند، اما در سایر روش‌ها از جمله روش تحلیل موضوعی قابل استفاده هستند (Mohammadpour, 2011).

Strauss & Corbin (2012, 214). کدگذاری باز در این تحقیق با توجه به نظریه (Corbin, 2012, 214) در دو مرحله مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی انجام گردید. در مرحله مفهوم‌سازی برای بخش‌بندی و تقطیع داده‌ها از روش سطر به سطر استفاده شد و به هر کدام از بخش‌ها با توجه به بار معنایی یا ایده اصلی موجود در آن سطر، عناوین مفهومی اختصاص گردید. در مرحله مقوله‌بندی نیز مفاهیم بر اساس ویژگی‌های مشترک در یک مقوله قرار گرفتند. در مرحله «کدگذاری محوری»، مقوله‌ها و زیر مقوله‌های به دست آمده در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط شدند (Walker & Myrick, 2006, 747; Kendall, 1999, 97; Birks & Mills, 2011, 97). در نهایت در این پژوهش برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد، از سه تکنیک متعارف اعتباریابی توسط اعضا مقایسه‌های تحلیل و تکنیک ممیزی بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

مشارکت‌کنندگان این مرحله از تحقیق به لحاظ جنسیت ۲۹/۳ درصد زن و ۷۰/۹۷ درصد مرد بودند. به لحاظ تحصیلات نیز ۵۸ درصد از آن‌ها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۳۸/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳/۳ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان نیز بین ۲۷ تا ۵۲ سال قرار داشت و میانگین سنی آن‌ها ۴۰/۸۳ سال می‌باشد. سابقه شغلی مشارکت‌کنندگان بین ۵ تا ۳۰ سال قرار دارد و میانگین آن نیز ۲۰/۵ سال بود.

ب) یافته‌های تحلیلی

به طور کلی در مرحله کدبندی باز ۳۵ مفهوم استخراج شدند که در قالب ۹ مقوله قرار گرفتند که عبارتند از:

مقوله شدت عادت‌واره آموزشی در اوائل خدمت

این مقوله بیانگر آن است که معلمان در ابتدای خدمت دارای علاقه شغلی زیادی بوده‌اند و با علاقه فراوان این شغل را انتخاب کرده بودند. معلمان علاوه بر علاقه شغلی زیاد، انگیزه زیادی هم به شغل معلمی داشتند که این امر موجب می‌شد تدریس، مدرسه و بودن با دانش-آموزان برای آن‌ها لذت‌بخش باشد.

جدول ۱: مفاهیم و مقوله‌های عادت‌واره آموزشی معلمان

Table 1: rows, concepts and educational habits of teacher's issues

مقوله category	مفاهیم concepts	ردیف rows
شدت عادت‌واره آموزشی در اوائل خدمت	انگیزه شغلی زیاد در سال‌های ابتدایی، تعهد شغلی زیاد در سال‌های ابتدایی، علاقه شغلی زیاد در سال‌های ابتدایی، نگرش شغلی مثبت در سال‌های ابتدایی، سطح بالای مطالعه در سال‌های ابتدایی، لذت از تدریس در سال‌های ابتدایی، خلاقیت در تدریس در سال‌های ابتدایی	۱
تضعیف عادت‌واره آموزشی در سال‌های اخیر	کاهش نگرش نسبت به شغل معلمی در سال‌های اخیر، کاهش سطح مطالعه معلمان در سال‌های اخیر، کاهش علاقه شغلی در سال‌های اخیر، کاهش انگیزه شغلی در سال‌های اخیر، کاهش تعهد شغلی در سال‌های اخیر، کاهش فعالیت شغلی در سال‌های اخیر	۲
مشکلات اقتصادی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی	تأثیر منفی مشکلات اقتصادی بر نحوه تدریس، تأثیر مشکلات اقتصادی بر کاهش مطالعه معلمان، تأثیر مشکلات اقتصادی بر کاهش انگیزه معلمان	۳
مشکلات منزلتی-تبعیضی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی	تأثیر مشکلات منزلتی بر کاهش علاقه شغلی معلمان، تأثیر مشکلات منزلتی بر کاهش انگیزه شغلی معلمان، تأثیر تبعیض سازمانی بر کاهش انگیزه شغلی معلمان	۴
منطق ضدآموزش؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی	تأثیر سیاست آموزشی عدم تمایز بر کاهش عادت‌واره معلمان، تأثیر افزایش آمار قبولی بر کاهش سطح آموزشی معلمان، تأثیر افزایش آمار قبولی بر کاهش انگیزه و علاقه شغلی معلمان، تأثیر تغییر نقش معلمی بر آموزش حداقلی، تأثیر قوانین آموزشی تسهیلی بر کاهش انگیزه شغلی معلمان	۵
شغل دوم آموزشی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی	تأثیر منفی شغل دوم آموزشی بر کاهش مطالعه معلمان، تأثیر منفی شغل دوم آموزشی بر کاهش تدریس معلمان، تأثیر منفی شغل دوم آموزشی بر کاهش انگیزه شغلی معلمان، تأثیر منفی شغل دوم آموزشی بر کاهش تعهد شغلی معلمان	۶
شغل دوم غیرآموزشی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی	تأثیر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر به روزنمودن اطلاعات معلمان، تأثیر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر کاهش علاقه شغلی معلمان، تأثیر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر کاهش انگیزه شغلی معلمان، تأثیر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر کاهش مطالعه معلمان، تأثیر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر نحوه تدریس معلمان، تأثیر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر کاهش تعهد شغلی معلمان	۷

۱- خصیلت‌هایی که عادت‌واره را تشکیل می‌دهند عبارتند از نگرش‌ها، تمایلات ادراکی، احساسات، کردارها و اندیشه‌هایی که افراد به علت شرایط عینی وجودی‌شان درونی کرده‌اند و از این رو، به صورت اصول ناآگاهانه‌ی کنش، ادراک و بازاندیشی عمل می‌کنند (Bonnwitz, 2012, 91). به عقیده بردیو عادت‌واره علاوه بر آن‌که بسیاری از امور ذهنی مانند اندیشیدن، احساس کردن و تمایلات را در برمی‌گیرد، در اکثر فعالیت‌های عینی و عملی انسان از قبیل نحوه خوردن، راه رفتن و صحبت کردن و غیره نیز خود را نشان می‌دهد. بنابراین انگیزه، نگرش، علاقه و حتی تعهد از جمله مصادیق و شاخص‌های عادت‌واره آموزشی تلقی می‌شوند. البته در اینجا منظور از تعهد شغلی، رعایت نظم، انضباط و مقررات آموزشی است که در میدان آموزش از طریق آموزش مستقیم یا غیرمستقیم یا به مرور زمان در وجود عاملان اجتماعی (معلمان) حک شده است و در ناخودآگاه آن‌ها قرار گرفته است.

تضعیف عادت‌واره آموزشی میدان تولید تحت تأثیر میدان مصرف	تأثیر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان بر انگیزه شغلی معلمان، تأثیر کاهش مطالعه دانش‌آموزان بر مطالعه معلمان، تأثیر کاهش عادت‌واره آموزشی دانش‌آموزان بر نحوه تدریس معلمان	۸
تضعیف عادت‌واره آموزشی میدان مصرف تحت تأثیر میدان تولید	تأثیر کاهش انگیزه معلمان بر کاهش انگیزه دانش‌آموزان، تأثیر کاهش علاقه معلمان بر کاهش علاقه دانش‌آموزان، تأثیر کاهش مطالعه معلمان بر کاهش مطالعه دانش‌آموزان، تأثیر کاهش عادت‌واره معلمان بر کاهش سطح سواد دانش‌آموزان	۹

حقیقتش من به تدریس علاقمند بودم و معلمی رو دوس داشتم و وقتی که شرایطی فراهم

شد پیام آموزش و پرورش خوشحال شدم (مصاحبه شماره ۴).

در سال‌های ابتدای خدمت معلمان نگرش مثبت به شغل معلمی داشتند. آن‌ها به شعار «معلمی شغل انبیا است» اعتقاد راستین داشتند و به شغل معلمی افتخار می‌کردند. همچنین معلمان در گذشته نسبت به مدرسه، کلاس، دانش‌آموزان و شغل معلمی احساس مسئولیت و تعهد بسیار زیادی داشته‌اند و همواره سعی کرده‌اند با آمادگی لازم و مطالعه کافی در کلاس درس حاضر شوند و به تدریس بپردازند و حتی المقدور از غیبت و تأخیر اجتناب کنند.

همیشه سعی می‌کردم به موقع در مدرسه حاضر بشم حتی در مواردی که مشکل حنجره

داشتم (مصاحبه شماره ۱۱).

مقوله تضعیف عادت‌واره آموزشی در سال‌های اخیر

این مقوله بیانگر آن است که عادت‌واره آموزشی معلمان در میدان تولید آموزش ثابت و لایتغیر نبوده، و در طول زمان کاهش یافته است. به طوری که امروزه میزان علائق معلمان نسبت به آموزش، تدریس، حضور در مدرسه و بودن با دانش‌آموزان کم رنگ شده است و با اشتیاق فراوان در کلاس‌های درس حاضر نمی‌شوند و برای تدریس و حضور در مدرسه و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان لحظه‌شماری نمی‌کنند. کاهش عادت‌واره آموزشی معلمان در سال‌های اخیر به گونه‌ای است که اکثر سطوح عادت‌واره نهادی معلمان را دربر گرفته است. به طوری که انگیزه شغلی معلمان نیز کاهش یافته است و معلمان انگیزه زیادی برای تدریس و حضور در مدرسه ندارند و از رفتن به کلاس درس رنج می‌برند و از معلمی و فضای آموزشی دلسرد شده‌اند.

قبلاً معلمی عشق بود و نه به عنوان یک شغل. ولی هر چقدر جلوتر اومدیم کم‌رنگ‌تر شد

(مصاحبه شماره ۵).

در سال‌های اخیر نگرش معلمان نیز تغییر یافته است. به طوری که معلمان امروزه مانند گذشته به داشتن شغل معلمی افتخار نمی‌کنند. همچنین در سال‌های اخیر سطح مطالعه معلمان نیز کاهش یافته است و به همان معلومات و دانش قبلی خود بسنده می‌کنند و در راستای به روز کردن دانش خود نیز رغبت فراوانی ندارند.

دیگر نگرش مثبت اولیه را ندارم و حتی به کسانی که درباره این حرفه از من می‌پرسند می‌گویم که اگر درآمد و مسائل اقتصادی برایشان مهم است و امکان داشتن شغل دولتی دیگری را دارند و علاقه چندانی به آن ندارند، انتخابش نکنند (مصاحبه شماره ۳۰).
از اون موقعی که فارغ‌التحصیل شدیم مطالعاتمون به تدریج کم شد و بیشتر بنا به ضرورت کار مطالعات مختصری داشتیم (مصاحبه شماره ۱۲).

مقوله مشکلات اقتصادی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی

این مقوله بیانگر آن است که شرایط اقتصادی معلمان وضعیت مناسبی ندارد. به طوری که وضعیت مالی معلمان به گونه‌ای است که حقوق آن‌ها پاسخگوی نیازهای ضروری زندگی روزمره نیست. همچنین افزایش سطح تورم نیز موجب شده که معلمان همواره دغدغه اقتصادی داشته باشند. این شرایط موجب شده است که معلمان از وضعیت شغلی خود ناراضی باشند و سطح علائق و تمایلات و انگیزه و تعهد شغلی آن‌ها در میدان آموزش کاهش یابد. معلمی در شرایط الان دو مشکل اساسی که داره یکی بعد مالیش و درآمده که مشخصه درآمدی که از این طریق به دست میاد با هزینه های زندگی قطعاً سازگار نیست و یکی هم این است که اون احترام و وجهه اجتماعی خیلی اومده پایین. یعنی اون احترامی که دانش آموز یا والدینش باید به معلم داشته باشند کمه. قطعاً اینا بر علاقه و انگیزه ما در شغل معلمی تأثیر می‌ذاره (مصاحبه شماره ۷).

مقوله مشکلات منزلتی-تبعیضی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی

مواجه با مشکلات منزلتی در جامعه موجب شده است، سطح عادت‌واره آموزشی معلمان به ویژه سطح علاقه شغلی، تعهد و انگیزه شغلی آن‌ها در میدان آموزش کاهش یابد. به طوری که معلمان همانند گذشته علاقه و انگیزه‌ای برای تدریس و حضور در مدرسه ندارند.
ارزش‌ها در جامعه تغییر کرده ببینید به موقع ارزش علمی بود، به موقع ارزش ارزش مذهبی بود. الان ارزش‌ها شده ارزش‌های مادی و مردم به همه چیز با دید مادی نگاه می‌کنند و

وقتی با این دید نگاه می‌کنند و معلم از نظر حقوقی و از نظر امکانات و جایگاهی که دارد ضعیفه، قطعاً احترام و شخصیتش هم به همین اندازه میاد و این نداشتن جایگاه هم علاقه و انگیزه و تلاش معلمو کم میکنه (مصاحبه شماره ۱۲).

از جمله شرایط دیگر که موجب کاهش سطح عادت‌واره آموزشی معلمان در میدان آموزش شده است، تبعیض سازمانی یا میدانی است. تجربه معلمان بیانگر آن است که میدان دولت در دهه‌های اخیر بین میدان آموزش با سایر میدان‌ها تبعیض قائل شده، به طوری که به سایر میدان‌های اجتماعی و عاملان آن‌ها به لحاظ مالی و منزلتی توجه بیشتری می‌نماید و این امر موجب شده که معلمان از این تبعیض رنجیده شوند و میزان علائق، تمایلات و انگیزه و رفتار آموزشی‌شان کاهش یابد.

هیچ انگیزه‌ای نیست که ما دلگرم باشیم و وقتی خودمون را با به کارمند به نهاد دیگه مقایسه میکنیم که دیپلم ولی به اندازه من حقوق میگیره انگیزه‌ای ایجاد نمیشه (مصاحبه شماره ۸).

مقوله منطق ضد آموزش؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی

این مقوله بیانگر آن است که قوانینی وجود دارند که موجب شده‌اند که سطح عادت‌واره آموزشی معلمان کاهش یابد، زیرا این قوانین (چه منطق آشکار، چه منطق پنهان میدان آموزش) بر تسهیل شرایط آموزشی و افزایش آمار قبولی دانش‌آموزان تأکید می‌کنند و معلمان را مجبور (با توجه به قدرتی که دارند) به انجام چنین خواسته‌ای می‌نمایند. در چنین شرایطی است که معلمان ارتقای سطح دانش، مهارت، علاقه، مطالعه، انگیزه و تعهد شغلی را بی‌فایده می‌دانند. مؤلفه عدم تمایز یکی از مهم‌ترین قوانین ضد آموزشی است که سطح عادت‌واره نهادی میدان آموزش را دستخوش تغییر و تحول قرار داده است. تجربه آموزشی معلمان بیانگر آن است که در میدان آموزش میان معلمان دلسوز، تلاشگر و با سواد و سایر معلمان در میدان آموزش هیچ تفاوتی وجود ندارد و همین امر موجب دلسردی و کاهش انگیزه و علاقه آنان شده است.

سالهای اولیه از تدریس خیلی لذت می‌بردم الان هم اون لذت هست ولی الان چون میبینم هیچ تفاوت بین دبیر خوب و زحمت کش و دبیرهای دیگه نیست علاقه ام کم شده. مثلاً همین امسال (مصاحبه شماره ۱۳).

قوانین آموزشی تسهیل‌کننده نیز از جمله شرایط دیگری هستند که موجبات کاهش عادت‌واره نهادی معلمان را فراهم نموده‌اند. تجربه آموزشی معلمان بیانگر آن است که قوانین

آموزشی میدان آموزش به دلیل تأکید بر دریافت نمره حداقلی و عدم مردودی، شرایطی را فراهم نموده که دانش‌آموزان به راحتی پایه‌های تحصیلی را پشت سر بگذارند و مدرک تحصیلی دیپلم را دریافت کنند با وجود این که سطح سواد آن‌ها برابر با مدرک یا پایه تحصیلی آن‌ها، چنین شرایطی سبب شده که معلمان علاقه و انگیزه‌ای برای تدریس و به کارگیری روش‌های جدید نداشته باشند. همچنین تجربه آموزشی معلمان در سال‌های اخیر بیانگر آن است که سطح عادت‌واره آموزشی آن‌ها بیشتر تحت تأثیر منطق پنهان افزایش آمار قبولی است. این منطق موجب شده که معلمان در پایان سال با توجه به پیشنهاد مسئولان مدارس و با استدلال توجیهی همچون شرایط خانوادگی دانش‌آموزان، شرایط سنی و شرایط نابه‌سامان جامعه و جلوگیری از افزایش هزینه میدان آموزش، به دانش‌آموزانی که سطح نمره آن‌ها پایین است و شرایط لازم برای قبولی را ندارند، نمره قبولی را بدهند یا شرایط کسب نمره قبولی را برای دانش‌آموزان فراهم نمایند. این منطق موجب دلسردی و عدم اختیار معلمان و در نهایت کاهش علاقه، انگیزه، مطالعه و تعهد شغلی آن‌ها در میدان آموزش شده است.

روز آخر مدیر میاد میگه حتما به اینا نمره بدهید اینا سال سوم هستن برن. ... پیش-دانشگاهی رو نمره بدهید برن. (مصاحبه شماره ۱۳).

مقوله شغل دوم غیرآموزشی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی

با توجه به تورم جامعه و با توجه به آن که معلمان از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند، گروهی از معلمان برای تأمین نیازهای ضروری خانواده‌شان به شغل دوم غیرآموزشی گرویده‌اند. گرایش معلمان به شغل دوم و اشتغال به آن موجب شده که گروهی از معلمان وارد میدان‌های دیگری شوند و سطح علایق، نگرش، رفتار و سطح مطالعه آن‌ها کاهش یابد. این کارهای جانبی فرصت مطالعه و انگیزه رو از ما گرفته ... وقتی که من بعد از ظهر ساعت ۲ از مدرسه بیرون و برم دنبال کار تا ساعت ۹ شب یا ۱۰ شب. قطعاً هیچ فرصتی برای مطالعه روز بعد ندارم (مصاحبه شماره ۳).

مقوله شغل دوم آموزشی؛ مانع ارتقای عادت‌واره آموزشی

این مقوله بیانگر آن است که گروهی دیگر از معلمان برای تأمین نیازهای اساسی زندگی به شغل دوم آموزشی اشتغال دارند. اشتغال در این شغل اگرچه معلمان را از محیط آموزشی

دور نساخته، اما به دلیل اشتغال زیاد، عدم وقت و خستگی مفرط موجب کاهش سطح مطالعه، انگیزه و رفتارهای آموزشی و فرهنگی معلمان شده است.

این اضافه‌کاری و پر کردن هفته به خاطر معیشت حقیقتاً میزان انگیزه و علاقه ما رو کم کرده و بیشتر نکرده چون که من خودم چند روز تو متوسطه دوم هستم و اضافه‌کاریم تو دوره راهنمایی است چون متوسطه نداره، دانش‌آموزهای راهنمایی هم خیلی پر شور هستند و اذیت میکنن و اون دو روز خسته میشیم و از اون انگیزه‌ای که تو متوسطه دوم هم تا حدودی دارم ازم گرفته میشه (مصاحبه شماره ۸).

مقوله تضعیف عادت‌واره آموزشی میدان تولید تحت تأثیر میدان مصرف

این مقوله بیانگر آن است کاهش عادت‌واره آموزشی در میدان مصرف، عادت‌واره آموزشی میدان تولید را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجبات کاهش آن را فراهم آورده است. در این راستا لازم به ذکر است که کاهش انگیزه تحصیلی، سطح پایین مطالعه و کاهش علاقه تحصیلی دانش‌آموزان موجب کاهش انگیزه، تعهد و علاقه شغلی معلمان در مدرسه، فرایند آموزش و کلاس درس شده است.

منشأش همون بی‌انگیزگی است که هم در محیط دانش‌آموز میبینیم که هیچ انگیزه‌ای برای درس ندارند. همین بی‌انگیزگی رو هم به معلم انتقال دادند (مصاحبه شماره ۹).

همچنین این کاهش انگیزه و سطح مطالعه دانش‌آموزان بر نحوه تدریس، فعالیت آموزشی و سطح مطالعه معلمان تأثیر منفی گذاشته و موجب کاهش سطح مطالعه و فعالیت‌های آموزشی معلمان در مدارس شده است. این پیامدها به گونه‌ای است که معلمان مثل گذشته در کلاس‌های درس به فعالیت نمی‌پردازند و به آموزش سطحی و سنتی بسنده می‌کنند.

وقتی معلم ما میدونه که هیچ دانش‌آموزی رغبتی به مدرسه و درس نداره و اومده فقط مسخره بازی کنه با چه انگیزه‌ای بره برای جلسه بعد خودش رو آماده کنه و مطالعه کنه (مصاحبه شماره ۲۶).

مقوله تضعیف عادت‌واره آموزشی میدان مصرف تحت تأثیر میدان تولید

این مقوله بیانگر آن است که سیر نزولی عادت‌واره نهادی در میدان تولید آموزش امری خنثی نیست، بلکه دارای اثرات و پیامدهای منفی می‌باشد. به طوری که سیر نزولی عادت‌واره

نهادی در میدان تولید، عادت‌واره نهادی میدان مصرف را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجبات کاهش آن را فراهم آورده است. در این راستا لازم به ذکر است که کاهش انگیزه شغلی معلمان موجب کاهش انگیزه دانش‌آموزان شده است. همچنین سطح پایین مطالعه، کاهش علاقه شغلی و تعهد شغلی معلمان علاوه بر کاهش سطح انگیزه و علاقه دانش‌آموزان سطح مطالعه و سواد آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

وقتی معلم ما خسته است و انگیزه‌ی ای ندارد و سطح مطالعاتش هم پایینه. خود به خود این بر دانش آموز هم تأثیر میداره. دانش آموز هم علاقه اش کم میشه، انگیزه اش میاد پایین و سطح سوادش هم میاد پایین (مصاحبه شماره ۲۴).

کدگذاری محوری

در این مرحله با توجه به ارتباط و پیوندی که بین مقوله‌ها وجود داشت، مقوله‌های مذکور مجدداً مورد دسته‌بندی و در ذیل سه مقوله انتزاعی و عمده با عناوین «سیر نزولی عادت‌واره آموزشی میدان تولید، شرایط مؤثر بر سیر نزولی عادت‌واره آموزشی میدان تولید، پیامدهای منفی سیر نزولی عادت‌واره آموزشی میدان تولید بر میدان مصرف» قرار گرفتند، سپس در یکی از ابعاد شرایطی، پدیده و پیامدی قرار داده شدند. نتایج این مرحله حاکی از آن است که معلمان در سال‌های گذشته از عادت‌واره آموزشی بالایی برخوردار بودند، اما تحت تأثیر شرایطی مانند مشکلات اقتصادی، مشکلات منزلتی-تبعیضی، اشتغال به شغل دوم آموزشی، اشتغال به شغل غیر آموزشی، کاهش عادت‌واره آموزشی میدان مصرف و منطبق ضد آموزش میدان آموزش، سطح عادت‌واره آموزشی آن‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته است و این امر موجب شکل‌گیری پیامدهایی از قبیل کاهش سطح عادت‌واره آموزشی دانش‌آموزان شده است. به عبارت دیگر، کاهش عادت‌واره آموزشی در میدان تولید، سطح عادت‌واره آموزشی میدان مصرف را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر جهت تحلیل کیفی وضعیت، شرایط و پیامدهای عادت‌واره آموزشی معلمان در ایران، چارچوب مفهومی تحقیق مبتنی بر دیدگاه بوردیو و منابع تجربی مرتبط با آن تنظیم گردید و بر مبنای آن سؤالات اصلی تحقیق تدوین و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج



شکل ۱. مدل وضعیت، شرایط و پیامدهای عادت‌واره آموزشی معلمان

Picture 1: conditional and situational model and the consequences of educational habitus of teachers

تحقیق حاکی از آن است که عادت‌واره آموزشی معلمان در میدان تولید آموزش ثابت و لایتغیر نبوده، بلکه در طول زمان دستخوش فراز و نشیب‌های زیادی قرار گرفته است. در این راستا نتایج به دست آمده بیانگر آن است معلمان در سال‌های ابتدای خدمت دارای علاقه شغلی فراوان، مطالعه زیاد، نگرش مثبت، انگیزه زیاد، احساس مسئولیت و تعهد شغلی زیادی بودند، اما متأسفانه در سال‌های اخیر تحت تأثیر شرایطی مانند مشکلات اقتصادی، مشکلات منزلتی-تبعیضی، اشتغال به شغل دوم آموزشی، کاهش عادت‌واره آموزشی میدان مصرف، اشتغال به شغل دوم غیر آموزشی و منطق ضد آموزش میدان آموزش، سطح عادت‌واره آموزشی آن‌ها کاهش یافته است. به طوری که امروزه معلمان انگیزه زیادی برای تدریس و حضور در مدرسه ندارند، از معلمی و فضای آموزشی دل‌سرد شده‌اند، همانند گذشته به داشتن شغل معلمی افتخار نمی‌کنند، تعهد شغلی آن‌ها کاهش یافته است، و به همان معلومات و دانش قبلی خود بسنده می‌کنند. وضعیت موجود بیانگر شکل‌گیری پدیده «سیر نزولی عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید آموزش» است. با توجه به آن که از دیدگاه پیر بوردیو بین میدان تولید و میدان مصرف رابطه متقابل وجود دارد (Bourdieu, 2013, 315-314)، «سیر نزولی عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی» در میدان تولید، عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان مصرف را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجب کاهش آن شده است. این نتیجه ضمن آن که مؤید نظریه تاریخی بودن عادت‌واره بوردیو است (Reay., Crozier, & Clayton., 2009, 1105; Darmody, 2012, 534)، مؤید نظریه تأثیر و تأثر میدان تولید و مصرف وی نیز می‌باشد.

از آنجا که معلمان مهم‌ترین عاملان اجتماعی میدان تولید آموزش هستند و بایستی از عادت‌واره آموزشی والایی برخوردار باشند تا بتوانند کارکرد تخصصی میدان آموزش که همان تولید و افزایش سرمایه فرهنگی به ویژه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عادت‌واره آموزشی و فرهنگی دانش‌آموزان است، را به خوبی تحقق بخشند، نتایج به دست آمده رضایت‌بخش نیست. زیرا ضعف عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید، میدان مصرف را تحت تأثیر گذاشته و این امر موجب شده است که میدان آموزش با چالش‌های کارآمدی در دو زیر میدان تولید و مصرف مواجه گردد و نتواند در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تحولات لازم را ایجاد کند. بنابراین یکی از چالش‌های میدان آموزش که کارآمدی آن را نیز با مشکل مواجه ساخته است، ضعف عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید است. با توجه به آن که عادت‌واره آموزشی در میدان آموزش امری مهم و کارکردی است، ضروری است که به این چالش توجه شود و راهبردهای فرهنگی گسترده‌ای در راستای ارتقای آن به ویژه در راستای ارتقای تمایلات، باورها، ارزش‌ها، نگرش و رفتارهای آموزشی معلمان صورت گیرد. در غیر این صورت میدان آموزش با چالش‌های بیشتری به ویژه در فرایند توسعه انسانی مواجه خواهد شد، زیرا میدان آموزش نقش مهمی در ارتقای شاخص توسعه انسانی دارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که میدان آموزش با تغییر منطق میدان آموزش و رفع مشکلات اقتصادی معلمان و میدان دولت نیز با رفع مشکلات منزلتی معلمان و تخصیص بودجه مناسب به میدان آموزش زمینه‌های ارتقای عادت‌واره آموزشی معلمان را فراهم نمایند. نتایج تحقیق حاضر از آن جنبه که بیانگر تغییر و تحول سطح عادت‌واره آموزشی عاملان اجتماعی میدان تولید در طول زمان است مؤید آن بخش از نظریه بوردیو است که عادت‌واره‌ها قابل تغییر هستند و با میدان‌های جدید یا با تغییرات جدید میدان منطبق می‌شوند (Jalaiypour & Mohammadi, 2009, 318). به لحاظ تجربی نیز این نتیجه با نتایج تحقیق Mirfardi, (2012) Ahmadi and Rafiee Baldaji که حاکی از تغییرات عادت‌واره آموزشی و مؤلفه‌های آن در میدان آموزش می‌باشند، همخوانی دارد.

References

- Aali, M. (2018). A Reflection on the Formation of the Modern Education System in Iran Based on Power- Knowledge Relations in The Thought of Michel Foucault. *Journal of Educational Sciences*, 25 (2), 5- 24. [Persian]
- Banitaba, M., Shahtalebi, B., & Karimi, F. (2009). The study of Job Commitment and Trust within the Organization in high schools in Isfahan. *Journal of Instruction and Evaluation*, 2 (7), 67- 98. [Persian]
- Beck, E. (2016). "Rethinking Development: an Agent-Based Approach to Studying development interventions". *World Development*, 80, 19-32.
- Birks, M., & Mills, J. (2011). *Grounded Theory: A Practical Guide*, Sage
- Bonnewitz, P. (2012). *Premieres lecons sur la sociologie de Pierre Bourdieu*. Translated by Jahangir Jahangiry, Tehran: Agah. [Persian]
- Bourdieu, P. (1997). The Sociology of Literature; L'Éducation sentimentale of Flaubert. Translated by Yosef Abazary, *Arghanoon*, 3 (9- 10), 76-112. [Persian]
- Bourdieu, P. (2002). Sporting actions and social actions (Translator: Mohammad Reza Farzad). *Arghanoon*, 20, 1-10. [Persian]
- Bourdieu, P. (2013). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Translated by Hassan chavoshian, Tehran: Sales. [Persian]
- Bourdieu, P. (2015). *The social structures of the economic*. Translated by Chris Turner, Malden: polity Press. [Persian]
- Bourdieu, P. (1995). *Outline of theory of practice*. Translated by Richard Nice, Combridge: Combridge University Press.
- Darmody, M. (2012). Institutional Habitus and Secondary School Transitions: Comparative study of Ireland and Estonia. *Research in Comparative and International Education*, 7 (4), 530-547.
- Engstrom, S; Carlhed, d (2014). Different strategies in teaching physics? Relationships between teachers' social economic and cultural capital and stratigices in teaching physics in upper secondary school.. *Cultural Studies of Science Education*, 9 (3), 699- 728.
- Grenfell, M (2011). *Bourdieu, Pierre: key concepts* (Translator: Mehdi labiby). Tehran: Afkar. [Persian]
- Hejazi, E; Sadeghi, N; Khatoon khaki, S (2014). Relationship between job attitude, feeling of efficiency and collective efficiency with teachers' vocational training. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 11 (42), 7-30. [Persian]
- Jalalipour, H. R., & Mohammadi, J. (2009). *The last theories of sociology*. Tehran: Nay. [Persian]

- Kamali, A., Khavari, Z. (2011). Factors Affecting Critical Thinking of High School Students in Mashhad. *Sociology of Education*, 1 (1), 159-190. [Persian]
- Kendall. J (1999). Axial Coding and the Grounded Theory Controversy, *Western Journal of Nursing Research*, 21 (6), 743-757.
- Kitchen, P.J; Howe, D (2013). How can the social theory of Pierre Bourdieu assist sport management research? *Sport management review*, 16, 123-134.
- Mirfardi, A., Ahmadi, S., & Rafiee Baldaji, Z. (2012). Value Priorities of Teachers and its Relationship with some Socio-Economic Factors (Case of Boroujen Township). *Journal Iranian Social Studies*, 5 (3), 146- 168. [Persian]
- Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative Research Method, Counter Method*. Tehran: Jameshenasan. [Persian]
- Ray, D., Crozier, G., & Clayton, J. (2009). Strangers in paradise? Working-class student in elite university. *Sociology*, 43 (6), 1101-1120.
- Sajjadiyeh, N., & Azadmanesh, S. (2016). Functions of Philosophy of Education as an academic discipline from Tehran University Students' die wpoint: a Thematic Analysis. *Journal of Educational Sciences*, 23 (1), 107- 130. [Persian]
- Strauss, A. L., & Corbin, J. (2012). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory* (Translator: Ebrahim Afshar). Tehran: Nay. [Persian]
- Thomas, L. (2002). "dtddent retention in higher education". *J.Education Police*. 17 (4), 424- 442.
- Todaro, M. (1988). *Economic development in the third world*. Translated by Gholamali Frajadi, Tehran: Baztab. [Persian]
- Walker. D., & Myrick, F. (2006). uuronueu Theory: An llplo ration of Process anP Proceeuure", *Qualitative Health Research*, 16 (4), 547-559.
- Zrim Martinjak, N. (2015). "Influnce of habitus and practical euucation on the teachers pedagogical praxis". *Croatian Journal of Education*, 17 (2), 191-204.

